



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۱ • ۶ صفر ۱۴۴۴ • ۳ سپتامبر آگوست ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۳۴۶۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۴۸
اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۸

سرتق

دیالوگ روز

پایون - فرانکلین جی شافرن - ۱۹۷۳

رئیس زندان، قانون اینجا همش سکوته. ما اینجا وانمود به اصلاح نخواهیم کرد. ما کنشیش نیستیم، ما عمل‌کننده‌ایم!
یه دستگاہ که حیوان زنده رو به بسته خوراکی تبدیل می‌کنه! ما مردان پرخطر رو به مردان بی‌خطر تبدیل می‌کنیم.

ما این کار رو با شکستن شما انجام می‌دیم. شکستن فیزیکی و روحی شما.

برای کله‌تون اینجا اتفاقات عجیبی می‌افته! همه آرزوهاتون رو از سرتون بیرون کنبن.

یادداشت

راه‌رهایی از روزمرگی

بهزاد قدیمی، وقتی توی ترافیک بسته، ساعت‌ها دودخورده و بوق شنیده، راه شلوغ را می‌روی که در مقابل مکهب سیمانی چند طبقه خانه‌ات پیاده شوی، مغزت گرفتار هیچ چیز نیست، جز لحظه رباهی. مناسبات کاری را داری در ذهن‌ت، معمای معاش، خوف آینده مبهم، اصوات نوفه‌وار تهدیدآمیز. اینها مغز را مثل پرستویی توی قفس خودش گیر می‌اندازد. سال‌ها که این‌طور ذهن آدم اسیر علیت ناگزیر واقعیت روزمره باشد، خسته می‌شود، فرسوده می‌شود، مستهلک و کندیده می‌شود. از زمانی که انقلاب صنعتی، کار را تقسیم کرد به مختصه‌هایش، معنی کار را از آن گرفت و ما را در ماشین تولید انداخت، نحوستی در زندگی بشر ظاهر شد؛ نحوستی که آن را روزمرگی می‌نامیم. وقتی تکرار هرروزه شود، دیگر همه چیز زیبایی‌اش را از دست داد، از غروب خورشید در افق تنها، تا طلوع سیمین ماه در شب سیاه. همه چیزها تکراری شدند و بسامدشان بی‌ارزش. زیبایی از نگاه سکنه جامعه انسانی رخت برست؛ چون معنایی در تکرار این علیت اجتناب‌ناپذیر نبود. اما بشر به ایزاری مجهز است که تحیل می‌نامدش. خیال بشر همه‌چیز را درمی‌نوردد؛ از مکان و زمان عبور می‌کند؛ در درد و استخوان نفوذ می‌کند؛ بر ابر و اقیانوس سفر می‌کند. خیال بشر چشمی است که به آن همه چیز را نو می‌بیند؛ همه چیز را دیگرگونه می‌بیند و به دیگریونی گمان می‌برد. این خیال بود که نطفه ادبیات گمانه‌زن را بست. همه ادبیات زاده خیال است؛ کارگرد این ابزار ذهنی است. باوجوداین وقتی از ادبیات فانتزی حرف می‌زنیم، درباره لرن‌لرن‌اند ماهیت‌های بنیادین جهان روزمره حرف می‌زنیم. درباره به چالش کشیدن مفهوم علیت به آن شکلی که می‌شناخته‌ایم، درباره وجود دیگرجهان‌هایی در زمان‌هایی عتیق یا آینده، درباره حضور موجوداتی به‌غایت ترسناک یا بیجا حرف می‌زنیم. ادبیات فانتزی واکنش ذهن خلاق و مهیازاشدنی انسان‌هاست به قید روزمرگی و صدای متحکم علیت انکارناپذیر. آرزوی قلب‌های بی‌نیهایت است برای رفتن، بدون سفرکردن. اینها را «جی. آر. آر. آل‌کلین» هم به نوعی گفته است: نویسنده رمان «رباب حلقه‌ها» که امروزه به‌عنوان یکی از مشاهیر ادبیات فانتزی شناخته می‌شود. آنچه ادبیات فانتزی در قرن بیست‌ویکم به مخاطب می‌دهد، راهی است برای راهی از فشار زندگی معمول و معاش روزمره. در ایران ادبیات فانتزی به کتاب‌هایی نظیر «رباب حلقه‌ها»، «ماجراهای نارتینا»، «هری پاتر»، «حماسه دارن شان»، «دریای زمین» واز این دست شناخته می‌شود. اینها قصه‌هایی هستند که در آن علیت دنیای روزمره هرکدام به وجهی نقض می‌شود. یکی در سال‌های بسیار دور اتفاق می‌افتد، یکی در جایی بسیار دوردست، و برخی هم درست در میان ما، در شهرهای ما اتفاق می‌افتد. گاهی ادبیات فانتزی را به اشتباه تا کتاب‌هایی مثل شاهنامه و حماسه‌هایی نظیر اولیس شهریار به عقب می‌برند؛ اما باید دانست منظور از ادبیات فانتزی مدرن، نه صرفا حضور عناصر خارق‌العاده، بلکه موضع مخاطب در برخورد با آن عنصر خارق‌العاده است. به‌ویژه باید این را بدانیم که ادبیات مدرن از زمانی آغاز می‌شود که اصل «تعلیق ناپاوری» از سوی مخاطبان ادبیات پذیرفته شد؛ یعنی مخاطب می‌پذیرد ظن خود را به حقیقت داستان معلق کند تا از دروغی که نویسنده می‌یابد، لذت ببرد. در واقع مخاطب از ابتدای برخورد با اثر هنری، از متهم‌کردن نویسنده به دروغ‌پردازی و کتمان حقیقت دست برمی‌دارد. قراردادی نانوشته بین مخاطب و نویسنده وجود دارد که لحنظاتی را در متنی کاملاخیال‌زاده سپری کنند تا لذت هنری ناشی از خواندن را تجربه کنند. در همان ابتدا، نویسنده مدعی بیان هیچ واقعیتی نمی‌شود؛ درعین‌حال تمام تلاشش را می‌کند که شائبه واقعیت را در ذهن مخاطب ایجاد کند. این شائبه واقعیت اگر ایجاد شود، احساس رباهی از بند روزمرگی را باعث می‌شود. احساس اینکه راه دیگری هست، جای دیگری هست، کار دیگری هست و تمام اینها باعث می‌شود در بی‌معنی معاش و تلاش، شائبه‌ای از معنا در ذهن آدم شکل بگیرد که برایش رانه زندگی باشد. ادبیات فانتزی در ایران نویاست؛ اولین بار بعد از اینکه مترجمان فارسی‌زبان دست به ترجمه آثاری مثل «مرشد و مارگاریتا» و «درخت و برگ» زدند، این آثار مخاطبان خاصی در میان جامعه کتاب‌خوان ایرانی پیدا کردند. بعدها هم‌زمان با ساخت فیلم‌های پسرودایی مثل «رباب حلقه‌ها» و «هری‌پاتر» کتاب‌های فانتزی هم مخاطبان بیشتری پیدا کرد. اکنون با گذشت بیش از ۲۰ سال از اولین روزهای حضور ادبیات فانتزی در ایران، آرام‌آرام جامعه مخاطبان این ژانر ادبی گسترده‌تر شده است. ناشرانی به وجود آمده‌اند که صرفا آثار ژانر گمانه‌زن (مجموعه‌ای از ژانرهای فانتزی، علمی-تخیلی و وحشت) را به چاپ می‌رسانند. به‌جز این ناشرانی هم هستند که بیشتر به خاطر انتشار مجموعه‌های پرفروش ادبیات فانتزی شناخته می‌شوند. ادبیات فانتزی در ایران میانه‌سال‌های ۷۰ شمسی با آثار بسیار خوب ترجمه شناخته شد. بعدها مخاطبان و هواداران این ژانر ادبی همدیگر را بیشتر در فضای برخط (آنلاین) پیدا کردند. ترجمه‌های آثار پرفرطران ادبی که به‌سرعت روی وب‌گاه‌ها منتشر می‌شد، باعث نزدیکی و تشکیل جمع‌های هواداری شد. معمولا وب‌گاه‌های هواداری هرکدام حول محور یکی از آثار مطرح ساخته می‌شدند؛ وب‌گاه طرفداران هری‌پاتر (سایت جادوگران)، وب‌گاه طرفداران ایراب حلقه‌ها (سایت آردا) یا وب‌گاه طرفداران حماسه دارن شان (دارن شان فنز). البته دراین‌میان وب‌گاه‌هایی هم به وجود آمدند که به‌صورت عام به ادبیات گمانه‌زن می‌پرداختند و از شناخته‌شده‌ترین‌شان وب‌گاه «آکادمی فانتزی» بود. حالا که بیش از ۲۰ سال از حضور ادبیات فانتزی در میان مخاطبان فارسی می‌گذرد، آرام‌آرام نویسندگان این ادبیات هم به وجود آمده‌اند. نویسندگانی که شاید بیشترشان دوره جوانی با نوجوانی خود را در حال‌وهوای آثار ترجمه ادبیات فانتزی سپری کرده‌اند. در میان هواداران ژانر فانتزی به آثار نوشته‌شده وطنی در این ژانر می‌گویند آثار «تالیفی» که در واقع اشارتی است بر اینکه اثری داستانی و غیرترجمه است. در سال‌هایی که گذشت، جوایز مختلفی هم برای ترغیب نویسندگان به خلق آثار فانتزی به زبان فارسی برگزار شدند که نقش بسزایی در توسعه و ارتقای ادبیات فانتزی تالیفی ایرانی داشته‌اند. از میان جوایز متعدد ادبی می‌توان به «جایزه ادبیات گمانه‌زن»، «جایزه ادبی نوفه» و «جایزه افسانه‌ها» اشاره کرد. چون ادبیات فانتزی در ایران هنوز نویاست، قدمت جوایز ادبی‌اش درپا نیست؛ باوجوداین بارقه درخشان و امیدبخشی در میان اهالی ادبیات برپا کرده است. فشار زندگی روزمره، هیچ کارشایی نیافته بلکه افزون شده است. این فشار سبب اصلی توسعه مخاطبان ادبیات خیال‌انگیز و در واقع ادبیات فانتزی است. خیال اگرچه در ابتدا راه فرار و گریز از واقعیت به نظر می‌آید؛ اما در گذر زمان خیال تنها راه ایجاد واقعیتی دیگرگونه بوده است. خیال پرواز سال‌ها در انسان بود تا هوایما اختراع شد؛ خیال سفر به ماه بالاخره واقعیت پیدا کرد؛ خیال داشتن گوی جهان‌بین، با وجود دوربین گوشی‌های همراه تقریبا میسر شده است. این تخیلات واقعیت‌شده، امید را در ذهن بشر می‌کارند؛ امید به اینکه هیچ خیال هرچقدر دور از منطق، هرچقدر دور از تعین واقعیت روزمره، باز هم ممکن است روزی از روزها به واقعیتی ملموس بدل شود. این امید است که نوشته‌های ادبیات فانتزی را جذب می‌کند و خوانندگان را علاقه‌مند نگه می‌دارد.

ایستنا: سرانجام پس از چند هفته پرحاشیه،

انتخابات شانزدهمین دوره هیئت‌مدیره خانه

سینما برگزار شد و سینماگرانی از این پس سسکاندار مدیریت این نهاد صنفی خواهند بود که ه‌جز محمدمهدی عسگرپور که، علی دوران پرتتش خانه سینما، مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره خانه سینما، مدیرعامل و عضو اصلی منتخب این دوره، تاکنون سابقه حضور در هیئت‌مدیره خانه سینما را نداشتند. شامگاه نهم شهریورماه انتخابات هیئت‌مدیره خانه سینما برپا شد و هیئت‌مدیره خانه سینما از اعضای عضو‌علی‌البدل این هیئت براساس تعداد آرای کسب‌شده، مشخص شدند. شورای عالی تهیه‌کنندگان طبق نامه‌ای که هم‌زمان با بقیه نامه‌ها باید (چهارم شهریورماه) ارائه می‌شد، نامه خود را ارائه می‌دهد که روز ششم شهریورماه هم‌زمان با بقیه نامه‌ها باز می‌شود و در آن نامه عسگرپور به‌عنوان وقت خانه سینما، طبق قانون اعلام کرده که باید شناسه این صنف مورد تأیید قرار بگیرد تا بتواند در انتخابات شرکت کند.سرانجام شناسه در مجمع عمومی قبل از انتخابات مورد تأیید قرار می‌گیرد و بعد از تأیید شناسه، طبیعتا تهیه‌کنندگان می‌توانستند در انتخابات شرکت کنند و

گزارش

عسگرپور تنها چهره با سابقه هیئت مدیره خانه سینما

کандیدای مدنظرشان (عسگرپور) که پیش‌ازاین

معرفی شده بود، رسما نامش در جلسه مطرح می‌شود (بیش از تأیید شناسه امکان‌پذیر

نبوده است که کاندیدا اعلام عمومی شود). در بین اعضای جدید هیئت‌مدیره، علی لقمانی از انجمن فیلم‌برداران سینمای ایران از باسابقه‌ترین مدیران فیلم‌بردار است که تاکنون عضو هیئت‌مدیره خانه سینما نبوده است. رسول صدرعاملی هم که نماینده کانون کارگردانان سینما در انتخابات بود، برای اولین بار تجربه حضور در هیئت‌مدیره خانه سینما را خواهد داشت. (او به دلیل داوری جشنواره فیلم مسکو در انتخابات حاضر نبود؛ باین‌حال بیشترین رای را آورد). کارگردان «من ترانه پانزده سال دارم» در سابقه صنفی‌اش، ۱۰ سال قبل ریاست اتحادیه تهیه‌کنندگان وتوزیع فیلم



زیر آسمان جهان

جنگ جهانی سوم

«ما در جنگ جهانی سوم زندگی می‌کنیم» این سخنان پاپ فرانسیس است که نگران مردم اوکراین است؛ مردمانی که در جنگ ناخوسته با روسیه قرار دارند. به گزارش رسانه‌ها، پاپ فرانسیس با یادآوری سالگرد جنگ جهانی دوم هم برای اوکراین دعا می‌کند و هم به حضار می‌گوید که درگیری‌های جاری در سراسر جهان را می‌توان جنگ جهانی سوم دانست. پاپ فرانسیس این سخنان را در طول نشست عمومی هشتادوسومین سالگرد آغاز جنگ جهانی دوم را یادآور شد. عموما تاریخ آغاز جنگ جهانی دوم را اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ می‌دانند. در همین روز بود که آلمان نازی به لهستان حمله کرد و به خاطر این یورش کشورهای فرانسه و بریتانیا به آلمان اعلام جنگ کردند و این آغازی شد برای شش سال جنگ و درگیرشد بیش از صدمیلیون نفر. پاپ خطاب به لهستانی زبان‌هایی که گرد هم آمده بودند، تأکید کرد: «سالگرد آغاز جنگ جهانی دوم به طرز دردناکی، یادآور روزهای تلخ ملت لهستان است.



• ارداق گولی با گلیم هنر دست زنان شهرستان بولنین زهرا، از جمله گلیم‌های قزوین است که نقش‌های برجسته و منحنی دارد عکس: حنا خلیج / ایرنا



در جنگ انسان بازنده است

مطمئن باشید این جنگ با تبعات گسترده‌اش بر ساختار سیاسی – اقتصادی – اجتماعی شبه‌ا برقدرتی به نام روسیه در تاریخ ثبت خواهد شد. اصلا می‌توان از برنده حرف زد؟ از بازنده‌ها چه؟ متأسفانه اصلی‌ترین بازنده جنگ‌ها «انسان‌ها» هستند. توده‌های چندمیلیاردی انسان‌هایی که نمی‌توانند مانع بروز جنگ‌هایی شوند که توسط چند صد نفر انسان! برنامه‌ریزی و اجرا می‌شوند تا قدرت و ثروت بیشتری در کانون‌های چند نفری انسانی! مجتمع شود. تفکر در باب جنگ ناامیدکننده و خجالت‌آور است. احساس لحنه‌های ام این است که انسانیت هیچ دوره‌ای تا این حد منغعل و خویش‌اندیش نبوده، بادم می‌آید در همین چند سال اخیر جنگ‌ها یمن، سوریه، عراق و افغانستان را به ویرانه‌های آخرالزمانی بدل کردند ولی سطح دغدغه اکثر مردم جهان حفظ قدرت خرید بود یا تولید سلفی‌هایی برای شبکه‌های مجازی، قبل از آن هم جنگ بوسنی در قلب اروپا جاری بود و انکار نه انکار. در دهه‌های اخیر جنگ‌ها در لیبی و سودان و سومالی و اتیوپی آفریقایی و ویتنام و کامبوج و کره آسینلی میلیون‌ها انسان را به خاک افکند. پیش از آن هم در مقیاسی بی‌نظیر در جنگ‌های جهانی توحش و خشونت در جریان بود و پیش از آن هم… اکثریت انسان‌های جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم باور داشتند جهان دیگر روی جنگ را به خود نخواهد دید. اما تنها چند سال بعد بسیاری از کشورهای جهان آشکار و پنهان در کره و ویتنام درگیر بودند و تمام حرکت‌های صلح‌طلبانه عامه مردم بازنده بودند. اگر فکر کنید از انسان ناامید می‌شوسید. مردم، آن توده بسیار بسیار بزرگ انسانی به نام مردم جهان، از جنگ و خشونت بیزار است، اما درعین‌حال قدرت توقف جنگ به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد خشونت را هم ندارد. اگر فکر کنید از اسان ناامید می‌شویید.



ایران را برعهده داشت. علیرضا حسینی از انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند و مسعود امیری‌تیرانی از انجمن فیلم کوتاه ایران دیگر نامزدهای انتخاب بودند که به‌عنوان اعضای هیئت‌مدیره رای آوردند. این دو سینماگر نیز سابقه حضور در هیئت‌مدیره خانه سینما را نداشتند؛ اما علی دهکردی از انجمن بازیگران سینمای ایران که در دوره شانزدهم به‌عنوان عضوی از هیئت‌مدیره انتخاب شده است، سابقه حضور در هیئت‌مدیره انجمن بازیگران را دارد و حبیب اسماعیلی از انجمن صنفی مؤسسات پخش فیلم نیز برای اولین بار در هیئت‌مدیره خانه سینما حاضر خواهد شد. هیئت‌مدیره جدید در چند روز آینده برای انتخاب رئیس، نایب‌رئیس، دبیر و سخنگو تشکیل جلسه خواهد داد و ۴۵ روز فرصت دارد مدیرعامل خانه سینما را تعیین کند. در ۱۶ دوره انتخابات خانه سینما، سینماگرانی هستند که در چند دوره به هیئت‌مدیره راه یافته‌اند. بیشترین تعداد حضور و کسب رای در اختیار تورج منصوری و کامران ملکی با پنج دوره است. انتخابات هیئت‌مدیره قبلی در مرداد سال ۹۹ برگزار شد که در دوران اوج کرونا بود و همایون اسمعدیان ریاست هیئت‌مدیره را برعهده داشت.



باشد که خاطره تجربیات گذشته، شما را ترغیب کند که صلح را در خود، در خانواده، در زندگی اجتماعی و بین‌المللی ایجاد کنید.» پاپ فرانسیس همچنین در بخش دیگری از سخنانش درباره جنگ در اوکراین نیز سخن گفت و اشاره کرد که امروز ما در «جنگ جهانی سوم» زندگی می‌کنیم – جنگی که در جریان آن، به تازگی، به خاطر خشک‌سالی پیش آمده در اروپا سبب شده تا میزان آب در رودخانه‌های این قاره کاهش یابد به شکلی که بخشی از تاریخ جنگ جهانی دوم که تقریبا فراموش شده بود، افشا شود. نمونه آن باقی‌مانده ده‌ها کنتی جنگی آلمانی از رودخانه عظیم دانوب بود. مثلا یک بندنه زنگ‌زده، یک دکل شکسته که در آن پرچم سواستیکا به اهتزاز درمی‌آمد، یک عرشه بالایی که قبلا یک پل فرماندهی بود، یک بشکه که می‌توانست سوخت را نگه دارد. برخی از کشتی‌ها هنوز ملول از مهمات هستند. آنها متعلق به ناوگان دریای سیاه‌المان نازی بودند که آلمانی‌ها به عمد آن را غرق کردند.

پنجره شهر

حساسیت مردم سپری در برابر تخریب خانه‌های قدیمی



زهرا نژادبهرام

موضوع تخریب خانه‌های تاریخی به‌صورت سریالی مطرح است. یک روز خبر تبدیل خانه جلال‌آل احمد به میوه‌فروشی را می‌شنویم و یک روز هم خبر نابودی چاپخانه و انتشارات مجله توفیق را. این مسئله حداقل در مدت دو دهه گذشته، اتفاق رایج و تلخی بوده است. این رویکرد به دلایل متعدد ازجمله محدودیت منابع و برخی از قوانین و مقررات؛ سازمان میراث فرهنگی قادر به ثبت و نگهداری این مکان‌ها به‌خصوص خانه‌های معاصر نبوده است. از سوی دیگر هرچند شهرداری یکی از استعلام‌هایی که برای خرید و فروش یا ساختن و تخریب خانه می‌گیرد، از سازمان میراث فرهنگی است. در جریان اهمیت این خانه‌ها قرار نمی‌گیرد. میراث فرهنگی برای این خانه‌ها به معمولا یا خریداری شده‌اند یا به ورثه به ارث رسیده، ثبت رسمی و قانونی انجام نداده است. ازاین‌رو وقتی مالکان این خانه‌ها که می‌توانستند به‌عنوان مکان زندگی یا محل کار مورد استفاده قرار گیرند، برای تخریب و ساخت‌وساز اقدام می‌شد، شهرداری به آنها این اجازه را می‌داد. شهرداری مجوزی برای عدم صدور پروانه نداشت؛ ازاین‌رو بسیاری از این خانه‌ها یا بر اثر مرور زمان در معرض نابود قرار گرفتند یا تخریب شدند و بناهای جدیدی بر روی آنها ساخته شده است. این مسئله و مشکلی است که در دو دهه گذشته دل‌دوست‌داران تاریخ و میراث فرهنگی و دل‌میدران شهری نگران دارایی‌های شهر را به درد آورده است.

حالا این سؤال مطرح است که برای این خانه‌ها چه می‌شود کرد؟

از یک‌سو حقوق مالکان و حق مالک برای داشتن هر نوع اقدام محترم است و دارای حقوق مالک در کشورمان هستیم. از سوی دیگر با محدودیت منابع هم از طرف میراث فرهنگی و هم از طرف شهرداری به‌عنوان یک نهاد عمومی روبه‌رو هستیم، نمی‌توان برای خرید این مکان‌ها اقدام کرد. به خاطر اینکه نمی‌توانیم و تعداد مکان‌ها زیاد است و از سوی دیگر حتی اگر این خانه‌ها ثبت شوند، چون مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و در معرض باد و باران و… قرار می‌گیرند و هزینه نگهداری آن زیاد است، به‌تدریج مخروبه می‌شوند. این روند با توجه به اینکه به آنها رسیدگی نمی‌شود، به‌تدریج بستری برای تخریب و نابودی این مکان‌ها فراهم می‌شود. رویکردهای متنوعی برای جلوگیری از این موضوع در شهرها و کشورهای مختلف جهان وجود دارد؛ همه مکان‌های این‌چنینی از سوی نهادهای عمومی خریداری نمی‌شود، بسیاری از آنها از سوی سازمان‌های خصوصی و اشخاص معتمد خریداری می‌شوند که علاقه‌مند به حفظ دارایی‌های شهری هستند. علاقه‌مند به نگهداری خانه‌های قدیمی و میراث گذشته هستند. علاقه‌مند هستند که از این مکان‌ها استفاده کنند و این مکان‌ها را به مراکز فرهنگی و هنری، کافی‌شاپ، رستوران و… تبدیل می‌کنند. اتفاقا مسئولان و علاقه‌مندان زیادی را هم به خود جلب می‌کنند. اگر بخواهیم راهکار برون‌رفت از این معضل را بررسی کنیم، شاید بتوانیم سه شاخص را در آن زمینه مورد توجه قرار دهیم:

اولا این خانه‌ها از سوی میراث فرهنگی شناسایی شود و هم به مالکان آنها و هم به علاقه‌مندان دیگر اطلاع‌رسانی شود که می‌توانند از ظرفیت‌های این مکان‌ها استفاده کنند. با وجود اینکه ممکن است همه خانه‌ها ثبت هم نشوند اما دارای ظرفیت تاریخی است و می‌توانند برای گردشگری شهری مورد استفاده قرار گیرند.به‌عنوان راهکار دوم شهرداری می‌تواند با شناسایی این نوع خانه‌ها و معرفی به سازمان میراث فرهنگی می‌توان یک برند جدیدی را خلق کند، به این عنوان که این خانه، این ساختمان یا این مکان دارای ویژگی فرهنگی و در واقع یک نوع ارزش افزوده برای ملک به‌ه وجود بیاید. برندی مانند «ارزش تاریخی» یا «داری شهری» یک نوع تابلو بر آنها نصب شود که اعلام‌کننده این باشد که این مکان، دارای هویت و پیشینه تاریخی است. از سوی دیگر شهرداری می‌تواند با مجوز تغییر کاربری، آن مکان را به مرکز فرهنگی، کافی‌شاپ یا خانه کتاب و… تبدیل کند. مواردی که هم فرصتی با شهر و تاریخ شهر و هویت شهر ایجاد کند و هم فرصتی برای نگهداری و ماندگارکردن این مکان‌ها فراهم می‌شود. اما یک راهکار دیگر هم به نظر من می‌رسد. این راهکار زمانی به ذهنم رسید که در یکی از کشورهای اروپای شرقی برای رفع مسئله ترافیک شهری چون از وسایل حمل‌ونقل شهری برخوردار نبودند، سایتی زیر نظر مدیریت شهری درست کرده بودند که در آن افراد برای همراهی و مشارکت در طی‌کردن یک مسیر یا خوردی شخصی خود اعلام آمادگی می‌کردند. بیشتر افرادی که با ماشین خود به مرکز شهر می‌رفتند، در آن سایت اعلام می‌کردند می‌توانند حضور و همکاری با شهروند مسئول و مشارکت‌پذیر است، به‌خوبی می‌توانیم از این ظرفیت سود ببریم، ما برای صاحب خودرو فراهم شده بود و هم برای شهروندان دیگر نیز تسهیلاتی مانند سرعت و هزینه کمتر را فراهم آورده بود. با خودم فکر کردم چه خوب می‌شد ما هم چنین امکانی را داشتیم و اگر رویکردمان به حضور و همکاری با شهروند مسئول و مشارکت‌پذیر است، به‌خوبی می‌توانیم از این ظرفیت سود ببریم، ما در سراسر شهرهای‌مان شهروندان مسئولی را داریم که تشخیص می‌دهند و معرفی می‌کنند، این خانه‌ها وجود دارند و چه خوب است از آنها مراقبت و نگهداری شود. چه خوب می‌شد اگر ما سایتی را داشتیم که هم خانه‌ها معرفی شوند و هم افراد علاقه‌مند در آن معرفی شوند، افراد در آن برای نگهداری از این خانه‌ها اعلام آمادگی کنند یا سرمایه‌گذاری کنند یا کاربری جدید برای‌شان طراحی کنند. وجود چنین سایت‌هایی از دو منظر درخور توجه است:

اول اینکه شهروندان مسئول در مدیریت و نگهداری شهر دخالت می‌کنند، نظارت و ارزیابی می‌کنند و وظیفه مسئولیت اجتماعی خود را مورد توجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر این خانه‌ها حفظ می‌شوند و دیگر فقط مسئولیت سازمان میراث فرهنگی و شهرداری نیست که با توجه به منابع محدود مراقبت این خانه‌ها را برعهده بگیرند. همه اینها نیازمند یک‌سری تسهیلات است و درعین‌حال یک بازاری برقرار کرد که بتوان این مکان‌ها را شناسایی کرد و با عکس‌برداری و فیلم‌برداری آنها را در محلات مختلف شناسایی کنند و در این بازارها ارائه شوند. از سویی دیگر افراد هم در آن اعلام کنند که می‌توانند با فلان مبلغ برای آن خانه، خریداری، نگهداری و مراقبتش سرمایه‌گذاری کنند، شهرداری نیز با ارائه تسهیلاتی مثلا تغییر کاربری بتواند در این کار مهم مشارکت کند. حتی می‌تواند مصوبه شورای شهر را برای حمایت از این خانه‌ها داشته باشند. در واقع این تعامل مشترک می‌تواند به حفظ و نگهداری آثار تاریخی و قدیمی شهری کمک کند.به نظر می‌رسد فارغ از اینکه این سؤال و پرسش همواره برقرار است که کدام دستگاه م‌کباری می‌کند، این نکته هم درخور توجه است که ما به‌عنوان شهروند مسئول چگونه می‌توانیم به حفظ و نگهداری شهر خود کمک کنیم. ما هم می‌توانیم اعتراضات‌مان را به مدیریت شهری اعلام کنیم، می‌توانیم این را از مدیریت میراث فرهنگی بخواهیم که این خواسته‌ها را به فراخوان بگذارند و از مردم کمک و ایده‌های زیادی را دریافت کند. فکر می‌کنم از عوامل مؤثر برای نگهداری آثار فرهنگی بالابرند سطح توقع و حساسیت مردم است.